

خدا

اثبات ساده وجود خداوند با موشن گرافی

هوالحکیم

اثبات ساده وجود خداوند با موشن گرافی

سؤال:

«از کجا معلوم که خدایی هست؟»

موجود «الف» را تصور کنید که موجود «ب» را به وجود آورده و وجود موجود «ب» کاملاً به آن وابسته است. به موجود «الف» علت، و به موجود «ب» معلول گفته می شود.

حالا اگر خود موجود «الف» هم وجودش به موجود دیگری وابسته باشد و توسط آن به وجود آمده باشد، این قضیه تا بی نهایت به علتی که خودش معلول نباشد منتهی نشود، به آن «تسلل در علتها» گفته می شود.

مثلاً اگر یک مسابقه دو، بی نهایت شرکت کننده داشته باشد و هر کدام از شرکت کننده ها بگویند تا نفر بعدی حرکت نکند من هم حرکت نمی کنم، اصلاً چنین مسابقه ای برگزار می شود؟ معلوم است که نه!

چون همه به هم وابسته اند و تا نفر بعدی حرکت نکند نفر قبلی هم حرکت نمی کند و همین معنای تسلسل در علتهاست.

اما وقتی می بینیم که همهٔ مسابقه‌های دو برگزار می‌شوند، می‌فهمیم که تسلسلی وجود ندارد و هیچ‌کدام از شرکت‌کننده‌ها کاری با حرکت کردن شرکت‌کنندهٔ دیگر ندارند. اصلاً محال است که بی‌نهایت موجود به‌صورت زنجیره‌وار به هم وابسته باشند بدون اینکه به موجود مستقلی برسند!

حالا که این مقدمه را متوجه شدید، به این سؤال جواب بدهید:

به نظر شما چیزی در عالم وجود دارد یا نه؟

اگر جواب شما منفی باشد و بگویید هیچ‌چیزی در عالم وجود ندارد، از شما می‌پرسیم:

پس خود شما که دارید به سؤال ما جواب می‌دهید، آیا وجود دارید یا نه؟

اگر جواب بدهید که وجود دارم، پس ثابت کردید که چیزی در عالم هست! و اگر بگویید من وجود ندارم، می‌گوییم دو اشکال پیش می‌آید:

اول اینکه اگر شما وجود ندارید چطوری دارید حرف می‌زنید و وجود داشتن‌تان را انکار می‌کنید؟! دوم اینکه: اگر شما بگویید چیزی در عالم نیست، چون هر کسی به وجود خودش یقین دارد، حداقلش این است که وجود داشتن خودتان اثبات شده است.

حالا اگر جواب شما به سؤال ما مثبت باشد و بگویید که: بله چیزی در عالم هست!

باز ما از شما سؤال می‌کنیم که:

آیا این چیزی که هست، توسط چیز دیگری به وجود آورده شده یا خودش خودبه‌خود به وجود آمده؟

اگر پاسخ بدهید که: آن چیز را چیز دیگری به وجود آورده!

می‌گوییم:

خود آن چیز دیگر را چه کسی به وجود آورده؟

و این سؤال تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند و تسلسل در علت‌ها پیش می‌آید.

تسلسل هم همان‌طور که باعث می‌شد هیچ‌وقت مسابقه‌دو شروع نشود، در این جا هم باعث می‌شود هیچ موجودی در عالم به وجود نیاید!

اما وقتی می‌بینیم که در عالم، موجودی هست، می‌فهمیم تسلسلی در کار نیست و سلسله موجودات نهایتاً به موجودی می‌رسد که موجود دیگری آن را به وجود نیاورده و آن موجود همان خداست.

و در صورتی که بگویید آن چیز خودش به وجود آمده و چیز دیگری آن را به وجود نیاورده، اولاً قبول کردید که چیزی وجود دارد و ثانیاً قبول کردید که چیز دیگری آن را به وجود نیاورده و چنین موجودی همان خداست!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ